



چیدمان کلاس برای یادگیری

بچه‌ها می‌خواهد کتاب‌های خود را باز کنند. او معلم مقتدری است. بچه‌ها از او حساب می‌برند. کتاب‌های خود را باز می‌کنند. معلم می‌خواهد بخش مشخصی از کتاب خوانده شود. یکی از بچه‌ها به انتخاب معلم آن بخش را می‌خواند. پس از خواندن چند سطر، معلم کلاس از آن

می‌کند تا به در کلاس برسد. در آستانه در کلاس درنگی می‌کند و پس از آن وارد کلاس می‌شود. بچه‌های کلاس که روی نیمکت یا صندلی‌هایی نشسته‌اند که همگی به سمت تخته کلاس چیده شده‌اند، به احترام او می‌ایستند. معلم با اشاره دست از آن‌ها می‌خواهد در جای خود بنشینند.

روی سکویی می‌رود. از کنار تخته رد می‌شود و پوشه خود را روی میز می‌گذارد و روی صندلی پشت آن میز می‌نشیند. او به همه کلاس اشراف دارد. نگاهی به پنجره و بیرون از آن می‌اندازد. همان‌طور که به بیرون نگاه می‌کند، از

بیش از این بارها اشاره کردیم که میزان کارآمدی محیط‌های مدرسه‌ها مبتنی است بر میزان تسهیل‌گری آن فضاها برای رویدادهایی که علاقه‌مند رخ دادن آن‌ها هستیم. در اینجا به یک پرسش اساسی می‌پردازیم: کلاس درس محل رخ دادن چه رویدادی است؟ دوست داریم چه اتفاقی در کلاس‌های درس ما رخ دهد؟ چه تصویری از کلاس درس در ذهن ماست؟

← کلاسی برای تدریس معلم

معلم پوشه‌ای در دست دارد. از دفتر معلمان خارج می‌شود. مسیر راهرو را طی



◀ محیط یادگیری با امکان تنوع در چیدمان

دانش‌آموز می‌خواهد دیگر به خواندن ادامه ندهد و خودش شروع به توضیحاتی درباره آن مطلب می‌کند. توضیح می‌دهد. ریز به ریز مطالب را بررسی می‌کند و شرح می‌دهد. هیچ نکته‌ای نباید از قلم بیفتد. کلاس درس باید مطابق سرفصل‌های مشخص شده توسط مدرسه و آموزش و پرورش به پیش برود و همه این سرفصل‌ها را باید مو به مو و مرحله به مرحله تبیین و تشریح کند.

البته کلاس نیاز به تنوع دارد. این را قبول دارد. به همین دلیل تصمیم می‌گیرد مطالب درس را به وسیله پاورپوینت ارائه دهد. به بچه‌ها می‌گوید چراغ‌ها را خاموش کنند و پرده‌ها را بکشند تا نور کم شود و تصویرهای مرتبط با ارائه او بهتر دیده شوند. کلاس تاریک می‌شود؛ تاریک‌تر از همیشه. بچه‌ها با چشمان خسته‌ای که در این تاریکی باید پذیرای نور بازتاب‌یافته از پرده نمایش باشند، سعی می‌کنند بر چشم‌زدگی ناشی از این بازتاب نور و بر خواب‌آلودگی و کسالت ناشی از این تاریکی محیط غلبه کنند.

اما او خیلی خوشحال است. تصور می‌کند با فناوری‌های جدید درس خود را کلمه به کلمه ارائه می‌کند و از نظر او بچه‌ها هم از این درس و از این نحوه ارائه لذت می‌برند. خوشحال است که با این روش همه مطالب و سرفصل‌ها در همه کلاس‌ها به شکل کاملاً هماهنگ پیش می‌روند و نکته‌ای از قلم نمی‌افتد. خوشحال است که دستش کمتر با گچ در تماس است و پوست دستش کمتر دچار حساسیت می‌شود.

کلاس‌ها هفته به هفته به پیش می‌روند. این کلاس‌ها برای حمایت از تدریس

معلم به خوبی کار می‌کنند. کلاس‌هایی که برای ورود و خروج افراد یک در ورودی دارند، میز و صندلی معلم و سکویی که معلم بتواند به همه دانش‌آموزان اشراف کامل داشته باشد و تخته کلاس و مجموعه‌ای از نیمکت‌ها یا صندلی‌هایی که همگی به سمت معلم و تخته چیده شده‌اند. گاهی اوقات دانش‌آموزان به سمت تخته کلاس می‌آیند تا تمرینات محوله را حل کنند و معلم بر این فعالیت‌ها آن‌ها نظارت کند، اما مابقی رویدادهای کلاس کاملاً توسط معلم اجرا می‌شود. محور کلاس اوست و اوست که لحظه به لحظه کلاس را با حرکات و کلام خود وادار به توجه و شنیدن می‌کند. در دیوارهای این کلاس‌ها باید به گونه‌ای باشند که حواس بچه‌ها پرت نشود. ساده، غیرشفاف و کاملاً صدابندی شده. نباید این امکان فراهم باشد که بچه‌ها بتوانند بیرون از کلاس و ترددهای پیرامون را ببینند، تا حواس آن‌ها کاملاً جمع باشد و تمرکزشان در هنگام ارائه معلم مختل نشود.

اگر این تصویر دقیقی از کلاس‌های مدرسه شماسست، باید گفت محیط کالبدی این کلاس و این معلم کاملاً با هم هماهنگ هستند. شکل معماری و مبلمان کلاس دارد به خوبی رویداد مورد انتظار را تسهیل و حمایت می‌کند. اگر تصمیمی برای بازسازی و تغییر در این کلاس دارید، دست نگه دارید. نیازی به هزینه‌چندانی ندارد. چه بسا اصلاً مهم نیست که حتی رنگ کلاس چگونه است. چون همه نگاه‌ها به سمت یک نفر است و مهم‌ترین سطح کلاس همان تخته کلاس است که معمولاً یا سبز است یا سیاه و یا سفید! در سال‌های اخیر هم در این نوع کلاس‌ها ظاهراً بیشتر توجه به پرده نمایش است و نبود نور محیطی اجازه توجه به رنگ‌ها و سایر عناصر موجود در محیط کالبدی کلاس را به شما نمی‌دهد. پس برای تغییر و بازسازی این کلاس کار خاصی لازم نیست. بهتر است هیچ‌وقت فکر و هزینه‌ای صرف نگردد. همین کلاس با همین آرایش که شاید نزدیک به صد سال است، به جز نصب ویدیو پروژکتور، تغییری نکرده

است. برای تدریس رسمی درس توسط معلم مناسب است. معلم سخن می‌گوید و ما گمان می‌بریم که دانش‌آموزان سراپا گوش‌اند. نزدیک به یکصد سال است که ما و پیشینیان ما این گونه گمان می‌کنیم و می‌کردند. اما ...

← کلاس برای یادگیری دانش‌آموزان

معلم وارد کلاس درس می‌شود. نه! بهتر است به جای کلاس درس بگوییم محیط یادگیری. بچه‌ها به احترام او برمی‌خیزند و او بسا لبخند از آن‌ها تشکر می‌کند و درخواست می‌کند در بخشی از محیط روی زمین بنشینند. کل سطح آن فضا فرش یا موکت شده است و می‌توان در هر جایی از آن روی زمین نشست. بعد از یک احوال‌پرسی مختصر از بچه‌های کلاس، حداکثر در مدت ده دقیقه، در حلقه آن‌ها می‌نشینند. با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند و موضوعاتی را برای آن‌ها طرح می‌کند. در این ده دقیقه فقط طرح مسئله کرده است. سؤالاتی در ذهن بچه‌ها ایجاد کرده است که آن‌ها مشتاق به کشف پاسخ‌های آن هستند. شاید هم سخنی نگفته و سؤالی مطرح نکرده است، بلکه مثلاً یک آزمایش عملی انجام داده و با مشاهده آن موقعیت و تجربه‌ای که زمینه آن را ایجاد کرده است، خودبه‌خود سؤالات زیادی بدون هیچ کلامی، خلق شده‌اند. در نهایت، چه بسا او تنها یک کلمه بگوید. شاید بگوید: چرا؟ یا چگونه؟ یا حتی این کلمات را هم از او نشنویم. در این زمان بچه‌ها مشتاق کشف یا یافتن پاسخ‌های سؤالاتی هستند که در آن ده دقیقه با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند.

پس از آن از روی زمین برمی‌خیزند و در محیط آن فضا پخش می‌شوند. عده‌ای به سراغ کتاب‌ها یا کتابخانه کوچک گوشه اتاق می‌روند که معمولاً معلم محتوای آن را متناسب با هر درس تنظیم می‌کند. کتابی را انتخاب می‌کنند و با استفاده از میزهای کوچک مطالعه مشغول به خواندن آن می‌شوند و یادداشت برمی‌دارند. عده‌ای کتاب را برمی‌دارند و روی زمین می‌نشینند و جست‌وجو می‌کنند. بعضی از بچه‌ها در گوشه‌ای از اتاق که میز و صندلی‌ها





محیط یادگیری با تنوع در فضاهای آن

شیشه‌های می‌چسباند و مانند نوشتن روی وایت‌برد، مطالب را روی آن شیشه می‌نویسند و پاک می‌کنند.

این محیط یادگیری از همان دقیقه‌های ابتدایی تا پایان آن، سرشار از انواع فعالیت‌های گوناگونی است که محور آن‌ها خود دانش‌آموزان هستند. برای همین است که شیشه‌های بودن برخی دیوارهای این محیط، مشکلی در اداره کلاس به وجود نمی‌آورد و حواس بچه‌ها پرت نمی‌شود. آن‌ها سخت مشغول فعالیت هستند و هر چیزی حواس آن‌ها را پرت نمی‌کند. از طرف دیگر، معلم خلاق این بچه‌ها هم به کمک مفروض بودن کلاس و همچنین تنوع موجود در مبلمان کلاس، می‌تواند از خلاقیتش بهره‌برد و انواع و اقسام روش‌های یادگیری در محیط را پیاده کند.

کلاس تدریس معلم را نمی‌توان به شکل دیگری تصور کرد، اما کلاس یادگیری را می‌توان به انواع و اقسام رویدادها توصیف کرد. این مبلمان ساده ولی متنوع، نقش تسهیل‌کننده برای این تنوع را به خوبی ایفا می‌کند. البته باید در شماره بعد به چرایی و چگونگی این موضوع بیشتر بپردازیم. ■

می‌گویند حالا در گروه‌های خود روی این مسئله‌ها متمرکز شوید. بچه‌ها در هشت محل مختلف در این اتاق مشغول به فعالیت و بحث گروهی روی آن پرسش‌ها می‌شوند. یکی دو تا از گروه‌ها نشست‌ن روی فرش‌ها را انتخاب می‌کنند. افراد یک گروه هم در کنجی از اتاق که تا ماه قبل یک کرسی در آنجا بود و الان یک میز کوتاه مربعی شکل شبیه همان کرسی با ارتفاعی کوتاه‌تر قرار دارد، روی بالش‌تک‌های کوچک اطراف میز می‌نشینند. چند گروه دیگر هم از میزهای ساده ولی متنوع موجود در محیط استفاده می‌کنند. در نهایت، هم معلم به بچه‌ها می‌گوید که هر گروه یکی از هشت سؤال را انتخاب کنند. از آن‌ها می‌خواهد یافته‌های خود را با گروه‌های دیگر، در شکل هر نوع ارائه‌ای، به اشتراک بگذارند. در این زمان یک تابلوی چرخ‌دار و متحرک در فضا وجود دارد. نوبت ارائه هر گروه که می‌شود، در صورت نیاز از آن تخته در هر نقطه دلخواه در محیط، استفاده می‌کنند. دیوارهای این کلاس تابلوهای گوناگون دیگر هم دارد که بعضی از گروه‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند. یکی از گروه‌ها هم یک مقوای بزرگ با رنگی شاد و روشن به پشت دیواره

به‌صورت رودررو و گرد چیده شده‌اند، می‌نشینند و درباره موضوع با هم بحث می‌کنند. چند رایانه در نزدیک این کلاس یا این محیط یادگیری و در فضای مشترک بین محیط‌های دیگر وجود دارد و محل مناسبی برای جست‌وجو در اینترنت، برای یافتن پاسخ یا پاسخ‌هاست. این رایانه‌ها از داخل این اتاق محیط یادگیری هم دیده می‌شوند. زیرا بعضی از دیوارهای این اتاق شفاف هستند تا هم نور و روشنایی و هم عمق دید و چشم‌اندازهای داخلی گسترده‌تر شود.

چند نفر از بچه‌ها در گروه‌هایی سه تا چهار نفره به کمک میزهایی که به راحتی در کنار هم قرار می‌گیرند و کار گروهی را تسهیل می‌کنند، با نظارت معلم خود مشغول فعالیت‌هایی عملی در ارتباط با موضوع می‌شوند و از این فعالیتی که مشغول آن هستند، از یکدیگر می‌آموزند و یافته‌های خود را به نگارش درمی‌آورند.

بعد از گذشت یک ربع تا بیست دقیقه، معلم بچه‌ها را فرا می‌خواند. آن‌ها را قبلاً به مثلاً هشت گروه تقسیم کرده است. از طرف دیگر، کل محتوای اصلی درس را به هشت پرسش تقسیم کرده است. به بچه‌ها